

کارل آمریکس
(ویراستار)

ایده آلیسم آلمانی راهنمای کیمبریح

مترجم

حسین مرتضوی



۱۳۹۸

فهرست

- نویسندگان مقاله‌ها یازده
- گاه‌شماری ایده آلیسم آلمانی پانزده
- نقشه شهر یا هجده
- مقدمه شرحی بر ایده آلیسم آلمانی (کارل آمریکس) ۱
- I. دستاورد ایده آلیستی ۱
- II. «ایده آلیسم» ایده آلیسم آلمانی چیست؟ ۱۲
- III. ایده آلیسم و رمانتیسیسم ۱۶
- IV. مرور احتمالی ۲۳
- یادداشت‌ها ۲۶
- فصل اول روش‌گری و ایده آلیسم (فریدریک سرر) ۳۱
- I. مقدمه ۳۱
- II. تعارضات درونی روش‌گری ۳۳
- III. ایده آلیسم استعلایی و روش‌گری ۳۹
- IV. محادله همه‌حدانگاری ۴۴

فصل چهارم کل‌نگری ریایی شاحتی هامان، هردر و شیلر (دابل اُ دالسرورم).....	۱۳۳
هامان و ریایی شناسی تحسد خدا.....	۱۳۶
هردر و ریایی شناسی قدرت تاریخ.....	۱۴۳
شیلر و ریایی شناسی نمایش.....	۱۵۱
یادداشت‌ها.....	۱۵۷

فصل پنجم همه یا هیچ نظام‌مدی و بی‌هلیسم در یاکوبی، راین هولد و میمون

(بل فرانک).....	۱۶۷
I. دفاع یاکوبی ار عقل در مقابل عقل ناوری.....	۱۶۸
II. دو گانه‌انگاری کانت.....	۱۷۶
III. تلاش راین هولد برای مصالحه نظام‌مد.....	۱۷۹
IV. نظام (یا نا-نظام) میمون.....	۱۸۴
V نتیجه‌گیری.....	۱۹۲
یادداشت‌ها.....	۱۹۳

فصل ششم فلسفه متقدم فیشته و شلینگ (رولف - پی بر هورس مان)

I. فیشته.....	۲۰۹
II. شلینگ.....	۲۲۴
یادداشت‌ها.....	۲۳۶

فصل هفتم هولدرلین و بو آلیس (چارلر لارمور)

I. مقدمه.....	۲۴۷
II. پیش‌زمینه کانت و شیلر.....	۲۴۸
III. هستی و سوپژکتیویته.....	۲۵۳
IV هولدرلین یگانگی و آزادی.....	۲۵۹
V بو آلیس تامل و تلقین شاعرانه.....	۲۶۷
VI شلگل و آبروی.....	۲۷۳
یادداشت‌ها.....	۲۷۶

V پیکار ربر - انتقادی.....	۴۷
VI ایده آلیسم اخلاقی فیشته.....	۵۰
VII ایده آلیسم مطلق.....	۵۴
یادداشت‌ها.....	۶۱

فصل دوم ایده آلیسم مطلق و ردّ دو گانه‌انگاری کانتی (پل گار)

I. هگل و حاستگاه‌های دو گانه‌انگاری کانتی.....	۶۵
II. شهود و مفهوم.....	۷۰
III. ار شهود و مفهوم نه نمود و واقعیت.....	۸۰
IV. فرازوی ار دو گانه‌انگاری کانتی؟.....	۸۶
یادداشت‌ها.....	۹۴

فصل سوم فلسفه عملی کانت (آلر و وود)

اسان‌شناسی عملی و فلسفه تاریخ.....	۹۹
اصل‌بنیادی اخلاقیات.....	۱۰۲
قاعده قانوں کلی.....	۱۰۶
اسان به عوان عایتی فی نسه.....	۱۰۹
حودمختاری و قلمرو عایت‌ها.....	۱۱۲
تشیت قانوں اخلاقی.....	۱۱۴
نظام متافیر یکی و طایف.....	۱۱۶
حق و اخلاق.....	۱۱۷
طایف اخلاقی.....	۱۱۸
عایت‌هایی که وطیبه هستند.....	۱۱۹
اخلاق به عوان فصیلت.....	۱۲۲
سیاست و دین.....	۱۲۴
روشنگری ایده جامعه مدنی عادلانه، یار به صلح اندی.....	۱۲۵
اجتماع اخلاقی، دین، حیر برین.....	۱۲۶
یادداشت‌ها.....	۱۲۷
.....	۱۲۹

۴۰۲	مؤخره تکمیل ایده آلیسم آلمانی در فلسفه متأخر شلینگ
۴۰۶	یادداشت‌ها
۴۱۱	فصل دوازدهم ایده آلیسم آلمانی و فعالیت‌های هری (آندرووبی)
۴۱۱	I. حقیقت، هر و فلسفه
۴۱۵	II. موسیقی و «احساس»
۴۱۹	III. بی‌واسطگی و وساطت
۴۲۲	IV. شلینگ هر و ناخودآگاه
۴۲۷	V. ایده آلیسم و رمانتیسیسم هگل و پایان هر
۴۳۸	یادداشت‌ها
	فصل سیزدهم میراث ایده آلیسم در فلسفه فوئرباخ، مارکس و کی‌یرکگور
۴۴۳	(کارل آمریکس)
۴۴۴	I. فوئرباخ
۴۵۳	II. مارکس
۴۶۹	III. کی‌یرکگور
۴۷۸	یادداشت‌ها
۴۸۵	کتاب‌شناسی

۲۸۱	فصل هشتم پدیدارشناسی و منطق هگل رئوس کلی (بری پیکارد)
۲۸۱	مسیر پدیدارشناسی
۲۸۵	پدیدارشناسی روح
۳۰۰	علم منطق
۳۰۸	یادداشت‌ها
۳۱۳	فصل نهم فلسفه عملی هگل تحقق آزادی (رابرت باپین)
۳۳۷	یادداشت‌ها

فصل دهم رئالیسم آلمانی خودفرویدی اندیشه‌ورری ایده آلیستی در فیشته،

۳۴۹	شلینگ و شوپنهاور (گوبررولر)
۳۴۹	I. ایده آلیسم و رئالیسم
۳۵۳	II. فیشته
۳۶۰	III. شلینگ
۳۶۶	IV. شوپنهاور
۳۷۱	V. وجود مقدم بر ذات
۳۷۲	یادداشت‌ها

فصل یازدهم سیاست و اساطیر حدید چرخش به رمانتیسیسم متأخر

۳۷۹	(دسراسورما)
۳۷۹	مقدمه
۳۸۱	اسلاف اساطیر حدید و رمانتیسیسم سیاسی
۳۸۳	رساله‌هایی درباره صلح پایدار
۳۸۶	اساطیر حدید
۳۹۴	حطوط کلی اساطیر حدید
۳۹۶	اساطیر و محافظه‌کاری حدید
۴۰۰	نتایج رمانتیسیسم فلسفی

مقدمه: شرحی بر ایده آلیسم آلمانی

کارل آمریکس

۱. دستاورد ایده آلیستی

دوره ایده آلیسم آلمانی موحد پدیده‌ای فرهنگی است که جایگاه و نفوذش معمولاً فقط با عصر طلایی آتن مقایسه می‌شود. به همین دلیل دوره‌ای از دهه ۱۷۷۰ تا ۱۸۴۰ که مایلم «عصر ایده آلیسم آلمانی» نامیم، اغلب در آلمان فقط دوره «فلسفه کلاسیک آلمانی» نامیده می‌شود. مقصود از این نام گذاری، نمایش سطح این دستاورد بر حسته است و به توصیف سبک یا محتوایی خاص، هر چند این نام گذاری موضوعاتی از این دست را نادیده می‌انگارد که چگونه فیلسوفان این عصر با تقسیم‌بندی ادیان آلمان بین کلاسیسیسم و رمانتیسیسم انطاق می‌یابند و اینکه تمایز ایده آلیسم «انتقادی» یا «استعلایی» کانت و ایده آلیسم به اصطلاح «مطلق» که در آثار سه تن از معروف‌ترین فیلسوفان پس از او، یعنی فیشته، شلینگ و هگل، اوج گرفت، تا چه حد عمیق است [۱].

آثار استاندارد درباره ایده آلیسم آلمانی، به ویژه آثاری به زبان انگلیسی، هور گرایش دارند که (بهایتاً) نه این چهار فیلسوف معروف

محض (Riga, 1781)، نداشت هر در و فیشته پس از کسب تجاری **سازنده** از کانت در کوبیگربرگ، بردیک گوته که مسئولیت بهادهای فرهنگی ناحیه و ایما را در اختیار داشت، اقامت گزیدند تا تلاش‌های بی‌نهایت مؤثر راین هولد^۱ [۲] که در دانشگاهی بردیک شهر با تدریس می‌کرد، برای رواج اندیشه‌های کانت، این منطقه به محل پرورش بسیاری از حواریون فلسفه انتقادی بدل شد [۳] در ۱۷۹۴، هنگامی که **راین هولد** بنا را ترک کرد، فیشته، شلینگ و هگل به نوبت حایگین او شدند. آنان حواهان بهود^۲ «نص» آثار کانت به مرله^۳ «روح» آن شدند و **نظام‌های** ایده آلیسم آلمانی را یکی پس از دیگری و در فاصله‌ای **چندماهه** سطر دادند [۴]

در همان شهر و همان دوره، عول‌های ادبی، مانند شیلر^۲، هولدرلین^۱، **نوالیس** (فریدریش فون هاردسبرگ)^۴ و فریدریش شلگل^۵، ناشدت تمام به کار بر روی حس‌تارها و دفاتر فلسفی خود می‌پرداختند رمانه آستین **انقلاب** فرهنگی بی‌سابقه‌ای بود که به واسطه همکاری گوته و شیلر رخ داد: زایش رمانتیسیسم آلمانی و ظهور سلی حدید و — دست کم برای مدتی — به شدت غیرسازشکار، آکده از استعدادهای ربیایی شاسی و علمی. علاوه بر افرادی که از آن‌ها یاد شد، چهره‌های اصلی عبارت بودند از فریدریش هایریش یا کوبی^۶، فریدریش شلایرماخر^۷، **لودویگ تیک**^۸، ژان پل ریختر^۹، آگوست ویلهلم شلگل^{۱۰}، دوروتتا **[ویت]** شلگل^{۱۱}، کارولین [نومر] شلگل^{۱۲} و ویلهلم و الکساندر فون

و یک یا دو اثر از آثار عمده‌شان توحه نشان دهند، در نتیجه، پیچیدگی فلسفی این عصر به طور حدی تعبیر ماهیت می‌دهد مطالعاتی که تا تلاش برای نمایش عای کامل این دوره به حیران این رویکرد روی می‌آوردند، مستعد عرق شدن در حرئیات تاریخی هستند و نمی‌توانند تمایزهای کلیدی فلسفی را برحسته کند مشکل دیگری بر این یکی از ارزشمندترین ویژگی‌های ایده آلیسم آلمانی پدیدار می‌شود، یعنی ویژگی محصر به فرد فرارفتن از مرزهای استاندارد میان رشته‌های دانشگاهی متون ایده آلیسم آلمانی هور تأثیری شگرف بر قلمروهای دیگری همچون مطالعات دینی، نظریه ادبی، سیاست، هنر و روش شناسی عمومی علوم انسانی می‌گذارند فلسفه اعل به تهایی کاربردهایی را در سایر حوره‌ها ایحاد می‌کند، اما ایده آلیسم آلمانی از همان آغار پیوندی بردیک و شگفت‌انگیر تا سایر قلمروها برقرار کرد ایده آلیست‌ها به تنها به طعیان‌های عمده فرهنگی، مانند روش‌گری، انقلاب کبیر فراسه و ظهور رمانتیسیسم، واکش مستقیمی نشان دادند، بلکه در پذیرش این رویدادهای دوران‌سار نیز اثرگذار بودند محلد حاضر تا نارشناسی پیچیدگی‌های این دوره، به طیف گسترده‌ای از نویسندگانی می‌پردازد که پرداختن به آن‌ها فراتر از انتظار حواسدگان است، هر چند کانون توحه همانا برهان‌ها و درون‌مایه‌های عمده فلسفی کل این عصر حواهد بود

شهرهای دوگانه کوبیگربرگ و برلین، و وایمار و یبا، نقشی ویژه در ترویج ایده آلیسم ایفا کردند در این پایتخت‌های فرهنگی، حضور در درس گفتارهای فیلسوفان ایده آلیست، مقصد آییی نویسندگان، دانشمندان و سیاستمداران بود اگرچه کانت ساکن شهرکی دورافتاده و پرت بود و دیگران به دیدارش می‌رفتند، تا دیگر رهبران روش‌گری از تناط بردیکی داشت و تا تحولات سایر شهرها، به‌ویژه برلین و آکادمی حدیدش، در تماس بود او هیچ مشکلی در حلب محاط، حتی پیش از انتشار بحستین اثر عمده این عصر — و از هر نظر مهم‌ترین — نقد عقل

1 Reinhold

2 Schiller

3 Hölderlin

4 Novalis (Friedrich von Hardenberg)

6 Friedrich Heinrich Jacobi

5 Friedrich Schlegel

7 Friedrich Schleiermacher

8 Ludwig Tieck

9 Jean Paul Richter

10 August Wilhelm Schlegel

11 Dorothea [Veit] Schlegel

12 Caroline [Bohmer] Schlegel

روشننگری و ایده‌آلیسم

فریدریش نیتشه

مقدمه

تاریخ اندیشه این است که هر حش فلسفی را باید در ستر تاریخی ش درک کرد این اصل به ویژه برای ایده‌آلیسم آلمانی صدق می‌کند که هدف‌ها و مسائش فقط در ستر فرهنگ آلمان اواخر سده نهم قابل فهم است این فرهنگ اساساً فرهنگ روشننگری یا Aufklärung بود که بر حیات فکری آلمان از اواسط سده هجدهم

تاریخ

روشننگری در اواخر سده هجدهم رفته‌رفته علائم یک بحران تاریخی را می‌داد هر چه اصول بنیادی‌اش را گسترش می‌داد، به نظر می‌رسید بیشتر به سوی پیامدهای هولناکی سوق می‌یابد اصول بنیادی روشننگری، نقادی عقلانی و ناتورالیسم علمی بود در حالی که به نظر می‌رسید نودی به شکاکیت می‌انجامد، ناتورالیسم ظاهراً به ماتریالیسم می‌رسید هر دو نتیجه غیرقابل قبول بودند اگر شکاکیت ناورهای عقل

بیش ههش‌ها، تلاش مستمر ایده آلیست‌های آلمانی برای حفظ میراث روشنگری بهفته است

II. تعارضات درونی روشنگری

روشنگری چیست؟ روشنگران خود پاسح واحدی نه این پرسش نداشتند؛ پرسشی که موضوع بحثی شدید میان آن‌ها در دهه ۱۷۸۰ بود. اما همگی می‌پذیرفتند که عصر روشنگری، «عصر عقل» است. این عبارت در حقیقت درست و دقیق بود؛ زیرا روشنگری عقل را به عالی‌ترین اقتدارش، نه دادگاه استیفاء بهایی‌اش، در تمامی مسائل اخلاقی، مذهبی و سیاسی بدل کرده بود. عقل معیاری برای داوری دربارهٔ ناورها، قوانین، آثار هنری و متون مقدس فراهم می‌کرد. در نگاه نقد، هیچ چیز مقدس یا حطابا پذیر سود، البته به‌خرد خود عقل منظور روشنگری از عقل چه بود؟ این قوه چیست که روشنگری چنین قدرت دهشتناکی به آن می‌بخشید؟ در دوران روشنگری، تعاریف بسیاری از عقل ارائه شد، اما دو دریافت سیادی و گسترده بودند یکم، عقل قوه نقد است، قدرت بررسی ناورها بنا به شواهد آن‌ها دوم، عقل قدرت تبیین است، ظرفیت فهم رحدادها نا مشاهده آن‌ها نه عنوان صدیق قوانین عمومی روشنگری یک پارادایم تبیینی خاص یعنی مکایم داشت که از فیریک حدید گالیله، دکارت و نیوتن استخراج کرده بود بنا به این پارادایم، علت یک رحداد، هدف یا علت عایی‌اش نیست. بلکه علت فاعلی‌اش است، یعنی رحدادی پیشینی از لحاظ زمان چون معلول چنین علتی می‌تواند بر اساس تأثیر سنجیده شود، یعنی یک جسم در زمانی معین چه مقدار حانه‌ها می‌شود، قوانین مکایسم گیت پذیر هستند، از این رویکی از بزرگ‌ترین امتیازهای مکایسم این بود که نه دریافت ریاضی از طبیعت انحامید که تمامی قوانین آن می‌توانستند نا ملاک‌های دقیق ریاضی صورت‌بندی شوند

سلیم ما را نه واقعیت جهان بیرونی، دهن دیگران و حتی «خود»‌های ما تضعیف می‌کند، ماتریالیسم ناور نه آزادی، فابا پذیری و جایگاه یگانه دهن را تهدید خواهد کرد چند تن از اصحاب روشنگری در آلمان حاضر بودند چنین پیامدهای مصیبت‌باری را تأیید کنند، اما همچنین تعداد اندکی مایل بودند اصول نقادی و ناتوریسم را محدود سارند. ایده آلیسم آلمانی از این بحران روشنگری رشد کرد. تمامی شکل‌های گوناگون آن — ایده آلیسم استعلایی کانت، ایده آلیسم اخلاقی فیشته و ایده آلیسم مطلق رمانتیک‌ها — تلاش‌هایی برای حل این بن‌بست‌های روشنگری بودند. ایده آلیست‌های آلمانی نا وجود تمامی انتقادهایشان از روشنگری، نه دو اصل سیادین آن وفادار ماندند. نقادی عقلانی و ناتوریسم علمی نا اینکه ایده آلیسم آلمانی چنین تفاوتی، حتی ناسازگارترین شکل‌ها را می‌پذیرفت، وحه اشتراک تمامی شکل‌هایش تلاش برای نجات نقادی از شکاکیت و ناتوریسم از ماتریالیسم بود.

مسح پویایی بهفته در رشد ایده آلیسم آلمانی، سرچشمهٔ تمامی دگرگونی‌هایش، عبارت بود از مبارزهٔ طولانی و تلخ برای حفظ این اصول روشنگری شکلی از ایده آلیسم جایگزین دیگری می‌شد، چنان که هر یک شکل قدیمی‌تر را برای حفظ این اصول نامناسب می‌دانست. کانت تأکید می‌کرد فقط ایده آلیسم استعلایی او از خطرات شکاکیت و ماتریالیسم احتیاط می‌کند. فیشته توضیح می‌داد که ایده آلیسم استعلایی کانت اگر مسح باشد، نه شکاکیت می‌افتد و تنها راه‌گیر از شکاکیت و ماتریالیسم، در ایده آلیسم اخلاقی او بهفته است. رمانتیک‌ها نیز این ایراد را مطرح می‌کردند که ایده آلیسم اخلاقی فیشته پاسحی برای شکاکیت ندارد و تأکید داشتند که فقط ایده آلیسم مطلق آن‌ها شالوده‌ای برای ناتوریسم بدون ماتریالیسم فراهم می‌کند. در ورای این